سبک یادگیری دانشجویان جدیدالورود دانشگاه علوم پزشکی مشهد بر اساس نظریه کلب
Learning Style of new students at Mashhad University of Medical Sciences based on Kolb Theory

نویسندگان:

محدثه علی زاده سعادت آباد(ارائه کننده) کارشناسی ارشد روانشناسی بالینی، دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران(AlizadehSM2@mums.ac.ir)

مجید خادم رضاییان دانشیار گروه پزشکی اجتماعی، دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران(KhademRM@mums.ac.ir)

منصوره صاحبکار دانشکده علوم پیراپزشکی و توانبخشی، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران(SahebkarM1@mums.ac.ir)

تکتم بخارایان دانشکده داروسازی، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران (BokharaeianT1@mums.ac.ir)

محمود دنکوب دانشکده دندانپزشکی، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران (DankoobM1@mums.ac.ir)

محسن شجاع جهان اباد دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران (ShojaJM3@mums.ac.ir)

بخش اصلی (مقدمه، روش، یافته‌ها، نتیجه‌گیری ...)

مقدمه: یادگیری به عنوان یکی از رفتارهای مهم انسان شناخته می‌شود. سبک یادگیری را از یک سو عادات پردازش اطلاعات دریافتی افراد دانسته، از سوی دیگر ویژگی شناختی، عاطفی و رفتارهای فیزیولوژیکی می‌دانند که به صورت نسبتا ثابت، نشانگر چگونگی درک، کنش و پاسخ به محیط یادگیری است. آگاهی از نوع سبک یادگیری دانشجویان می‌تواند روش‌های آموزشی را متناسب با سبک یادگیری آنان تغییر داده و موجب بازده آموزشی بالاتر شود. لذا این مطالعه با هدف شناسایی وضعیت سبک های یادگیری در دانشجویان جدیدالورود دانشگاه علوم پزشکی مشهد انجام شد.

روش‌کار: این مطالعه مقطعی بر روی ۱۵۷۸ نفر از دانشجویان جدیدالورود (سال‌های ۱۴۰۲ تا ۱۴۰۴) در دانشکده‌های پزشکی، دندانپزشکی، داروسازی، بهداشت، پیراپزشکی و پرستاری-مامایی در دانشگاه علوم پزشکی مشهد انجام شد. دانشجویان متمایل به شرکت در مطالعه در بدو ورود به دانشگاه به صورت سرشماری وارد مطالعه شدند و پرسشنامه سبک‌های یادگیری کلب را که روایی و پایایی نسخه فارسی آن در مطالعات متعدد نشان داده شده بود، تکمیل نمودند. این پرسشنامه دارای ۱۲ سوال چهارگزینه‌ای می‌باشد. هر گزینه نمایانگر یکی از ۴ روش اصلی یادگیری تجربه عینی (یادگیری که با تجربه شروع می‌شود)، مشاهده تاملی (با تفکر ادامه می‌یابد)، مفهوم سازی انتزاعی (به بینش خاصی رسیده و تجربیات به شکل فرضیات در می‌آید) و آزمایشگری فعال (به عمل منجر می‌گردد و در حل مسائل و اتخاذ تصمیمات استفاده شود) می‌باشد. به هر گزینه نمره‌ای بین ۱ (کمترین تطابق) تا ۴ (بیشترین تطابق) داده می‌شد. سبکی که دارای بیشترین نمره باشد به عنوان سبک یادگیری غالب فرد شناخته می‌شود.

یافته‌ها: در مجموع ۱۵۷۸ دانشجو در مطالعه شرکت نمودند: پزشکی ۹۶۶ نفر، داروسازی ۱۹۶ نفر، پیراپزشکی ۱۷۶ نفر، پرستاری-مامایی ۱۰۵ نفر، دندانپزشکی ۹۶ نفر، بهداشت ۴۸ نفر. در کل دانشگاه شایعترین سبک یادگیری آزمایشگری فعال (۴۰٪) و پس از آن مفهوم سازی انتزاعی (۳۹٪) بود. آزمایشگری فعال در دانشکده های پیراپزشکی (۵۲٪)، پرستاری-مامایی (۵۶٪)، و بهداشت (۶۱٪) غالب ترین سبک یادگیری بود. از سوی دیگر مفهوم سازی انتزاعی در دانشکده‌های پزشکی (۴۲٪)، دندانپزشکی (۴۴٪)، و داروسازی (۴۴٪) غالب‌ترین سبک یادگیری بود. تجربه عینی در تمام دانشکده‌ها رتبه آخر را به خود اختصاص می‌داد.

نتیجه‌گیری: آگاهی از سبک یادگیری دانشجویان جدیدالورود می‌تواند مبنایی برای اصلاح احتمالی برنامه‌های درسی و الگوهای تدریس باشد. بدیهی است تفاوت‌های سبک یادگیری دانشجویان در دانشکده‌های مختلف بایستی مدنظر تصمیم سازان و مدیران ارشد حوزه آموزش به خصوص در سیاست گزاری‌های کلان قرار گیرد.

واژه‌های کلیدی: سبک یادگیری، کلب، علوم پزشکی، دانشجو